

بدر شاکر السیّاب پیشاهنگ شعر نو در ادبیات معاصر عربی

بسام ربابعة *

تاریخ الاستلام 2017/8/8

تاریخ القبول 2018/2/8

چکیده

بدر شاکر السیّاب (1964-1926م) یکی از مشهورترین شاعران معاصر در جهان عرب است؛ او به عنوان پیشاهنگ و پدر شعر نو از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر عربی برخوردار است. همچنین آثار شعری وی پرآوازه است و شهرت فراوانی دارد؛ برخی از این آثار به زبان های: فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. بدر شاکر السیاب علاوه بر شعر، در نثر نیز دستی توانا داشت؛ لذا آثار او منحصر به شعر نیست؛ بلکه دربرگیرنده مقاله ها، نقدها، نامه ها و چندین اثر ادبی جهانی است که آنها را از زبان انگلیسی به زبان عربی برگردانده است. او علاوه بر تسلط کامل به زبان عربی با زبان فارسی آشنایی داشته است و تا حدی این زبان را یاد گرفته بود.

روی هم رفته، پژوهشگر کنونی این مقاله را به شناساندن بدر شاکر السیاب به عنوان پیشگام و بنیانگذار شعر نو در ادبیات معاصر عربی اختصاص داده، به بحث و بررسی شرح زندگی او، نخستین اشعار و تجدید گرایی وی در شعر معاصر عربی پرداخته است، سپس آثار، نوشته ها و گرایش های سیاسی او را بیان کرد، همچنین مراحل شعری وی را با ذکر نمونه های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داده است؛ امید هست که زندگی، آثار و نقش السیاب در پرچمداری شعر نو عربی به طور خوب برای فارسی زبانان تجلی یافته و سرانجام مورد استفاده علاقه مندان به ادبیات معاصر عربی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بدر شاکر السیاب، پیشاهنگ شعر نو، شعر معاصر عربی، ادبیات عربی.

سر آغاز

بدر شاکر السیّاب در سال 1926م در روستای "جیکور"¹ که در جنوب عراق قرار دارد، دیده به جهان گشود. زادگاه السیاب روستایی است کوچک و اغلب مردم این روستا کشاورزانی هستند که فعالیت اساسی آنها تولید خرماست. در سال 1932م عراق استقلال خود را به دست آورد و در همین سال بود که او تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ای در روستای "باب سلیمان" آغاز کرد و در همین سال مادر خویش را نیز از دست داده بود.

© جميع الحقوق محفوظة لجمعية کلیات الآداب في الجامعات الأعضاء في اتحاد الجامعات العربية 2018.

* گروه زبان های سامی و شرقی، دانشکده ی ادبیات- دانشگاه یرموک اردن.

السیاب بعد از پایان تحصیلات مقدماتی در سال 1938 به "بصره" رفته و مرحله دبیرستانی را در آنجا گذارند؛ اما دل وی در "جیکور" مانده بود؛ زیرا "وفیقه" که نخستین تجربه او در عشق بود در همان روستا اقامت داشت، عشق "وفیقه" از حوادث تلخی بود که تأثیر بسزایی بر شاعر گذاشت؛ چون "وفیقه" که به مثابه رؤیایی در ذهن السیاب بود، با شخص دیگری ازدواج کرد و چند سال بعد به رحمت خدا پیوست. السیاب در نخستین تجربه عشق خود مانند نیما یوشیج بنیانگذار شعر نو در ادبیات معاصر فارسی ناکام ماند و سرانجام شکست خورد. البته این شکست در عشق به طور روشن در شعر السیاب انعکاس یافته است.

نخستین اشعار

در سال 1941م جنبش رشید عالی الکیلانی برای به دست یافتن استقلال عراق از زیر استعمار انگلستان رخ داد. بر اثر این قیام جنگ عراق و انگلستان برپا شد؛ اما عراق شکست خورد و رهبران همان جنبش به دار آویخته شدند، السیاب که در آن زمان نوزده سال داشت از این حادثه دردناک متأثر شد و قصیده ای راجع به این مسأله به رشته نظم در آورد.²

بدر شاکر السیاب در سال 1943م روانه بغداد شد و در دانشسرای عالی رشته زبان عربی را برگزید؛ اما بعد از دو سال به رشته زبان انگلیسی روی آورد و در این دوره با اشعار "بودلر" و برخی از شاعران رومانیک عرب مانند: الیاس ابو شبکه و علی محمود طه آشنایی یافت. او همچنین با شاعران انگلیس به ویژه رومانیک ها مانند: "بارون"، "کیس" و "شیلی" آشنا شد.

فعالیت های مختلف

وقتی که السیاب به بغداد رسید جنگ جهانی دوم به اوج خودش رسیده بود و عراق از گروه بندی سیاسی و ادبی رنج می کشید؛ وی در محافل ادبی و فعالیت های گروه های فرهنگی و ادبی شرکت می کرد، همچنین در نزاع میان گروه های سیاسی گام بر می داشت و قصیده های مختلفی را سرود و جایگاه مهمی در این محافل پیدا کرد.³

شایان ذکر است که السیاب در دوره تحصیلات مقدماتی خود شروع به سرودن شعر کرد و اشعار وی بیشتر غزل و وصف بود. همچنین او اشعاری به زبان عامیانه به رشته نظم در آورد و از سال 1941 به بعد به طور منظم به سرودن شعر پرداخت، در این مدت عراق تحت سیطره استعمار انگلستان قرار داشت. مردم این کشور از تهیدستی، بدبختی و استثمار رنج می کشید؛ البته این مسایل در اشعار السیاب به طور آشکار منعکس گردید.

پیشاهنگ شعر نو عربی در سال 1945م توسط یکی از کمونیست های ایران به حزب کمونیست پیوست و به عضویت حزب کمونیست عراق در آمد. السیاب در این زمینه چنین لب به سخن گشود: "عموی کوچکم عبد المجید السیاب دوستی ایرانی داشت که به ده ما رفت و آمد می کرد، آن دوست ایرانی از علاقمندان به آثار جبران خلیل جبران و می زیاده بود و همواره از دموکراسی و کمونیسم سخن می گفت. یک روز ما را به حزب کمونیست عراق که یک حزب مخفی بود معرفی کرد و برای هر کدام از ما یک نام رمزی انتخاب شد، بدین گونه ما

نه تنها یک کمونیست؛ بلکه عضو حزب کمونیست شدیم.⁴ السیاب در این مرحله شاعری کمونیست و متعهد بود به ویژه در مراحلی که دست به تجدید گرای زده.

السیاب در سال 1946م با خانم نازک الملائکه آشنا شد و هر دو به توافق رسیدند که دیوان شعر مشترکی را به چاپ برسانند؛ اما وی به علت فعالیت های حزبی از دانشسرای عالی اخراج شد و پس از آن به حزب "آزادی بخش ملی" پیوست. سپس او به عنوان رئیس اتحادیه دانشجویان دانشسرای عالی برگزیده شد و یکی از فعال ترین دانشجویان محسوب می گشت که به خاطر شرکت در تظاهرات بازداشت شد.

اگرچه السیاب از علی محمود طه والیاس ابو شبکه و حتی از شاعران مشهور عرب مانند: منتبلی و ابو تمام تأثیر پذیرفت و تأثیرپذیری از این شاعران در آثار وی به وضوح مشاهده می گردد و نیازی به شرح و تبیین ندارد؛ اما با این حال او به ادبیات معاصر غرب توجه و اهتمام ویژه ای می ورزید، وی بعد از این که به رشته ادبیات انگلیسی روی آورد و به خواندن آثار شاعران مغرب زمین مانند: شکسپیر، بایرون، شیلی، کیتس، ووردزورث پرداخت و توجهی خاص و ویژه به تی. اس. الیوت داشت تا این که به تدریج شیفته سبک الیوت شد و تحت تأثیر وی علی الخصوص در به کارگیری اسطوره ها قرار گرفت. همچنین او با ادبیات فرانسه و ادیبان مانند: مارتین و بودلر توسط همکلاش سلیمان العیسی آشنا گشت.

شاعر نوپرداز در سال 1946م نخستین شعر نو خویش را که با عنوان "ایا عشق بود" سرود. سپس این شعر را در سال 1947 در دیوانی با عنوان "گل های پژمرده" که نخستین دیوان السیاب به حساب می آید در مصر به چاپ رسانید. در حاشیه این شعر چنین نوشته شده است: "شعری است در اوزان و قوافی مختلف"⁵ این شعر به شرح زیر است:

هل كان حباً

هل تُسَمِّينَ الذی ألقى هیاماً؟
أم جُنُوناً بالأمانی؟ أم غراماً؟
ما یكونُ الحبُّ؟ نُوحاً وابتساماً؟
أم حُفُوقَ الأضلعِ الحرِّی، إذا حان التلاقی
بین عینینا، فأطرقنَّ، فراراً باشتیاقی
عن سماءٍ لیس تسقینی، إذا ما؟
جئتُها مستسقیاً، إلا أوما.

العیونُ الحورُ، لو أصبحنَ ظلاً فی شرابی
جفتُ الأقداحُ فی أیدی صحابی
دون أن یحظینَ حننی بالحباب.
هیئی یا كأسُ، من حافاتك السکری مکاناً
تتلاقى فیهِ يوماً شفتاننا

في خفوق والتهاب
و ابتعاد شاع في آفاقه ظلُّ اقتراب.

كم تمنى قلبي المكلوم لو لم تستجيبني
من بعيد للهوى، أو من قريب؛
أه لو لم تعرفني، قبل التلاقي، من حبيب!
أيُّ ثغر مسَّ هاتيك السِّفاها
سكاباً شكواه آهاً ثم آها؟
غير أنني جاهلٌ معنى سؤالي عن هواها؟
أهو شيءٌ من هواها يا هواها؟

أحسدُ الضوءَ الطروباً
مُوشكاً، مما يلاقي، أن يزوباً
في رباطٍ أوسع الشَّعر الثَّماما،
السَّماءُ البكرُ من ألوانه أنا وأنا
لا يُنيلُ الطَّرْفُ إلا أرجوانا.
ليت قلبي لمحّةً من ذلك الضوء السجين؛
أهو حبُّ كلِّ هذا؟! خبريني.⁶

در نگاهی گذرا به این شعر ملاحظه می شود که از چهار بند یا مقطع تشکیل شده است ووزن آن «فاعلاتن، فاعلاتن» ودر بحر رمل سروده شده است. همان گونه که مشاهده می گردد السیاب از افاعیل عروضی الخلیل بن احمد که مبتنی بر وجود سه رکن عروضی در هر مصراع بود، عدول کرده؛ لذا بعضی از سطرهای این شعر از دو رکن عروضی و برخی دیگر سطرها از چهار رکن تشکیل می شود، بدون این که هیچ نظمی بر آن حاکم باشد.... آنچه از این شعر استنباط می شود این است که السیاب از رکن عروضی بحر رمل بدون قاعده ی مشخص بهره برده و سیستم وزن و قافیه را در قصیده سنتی به هم زده است. کوتاه سخن این که بدر شاکر السیاب در این شعر به خود اجازه داد تا از تعداد مختلف رکن های عروضی بدون هیچ نظمی بهره مند گردد.⁷ او با این کار توانست سیستم قصیده کلاسیک که بر دو رکن اصلی تکیه دارد یعنی وزن و قافیه را بشکند و افاعیل عروضی را جایگزین آنها کند.

درخور ذکر است که مسأله بنیانگذاری شعر نو در ادبیات معاصر عربی مسأله ای است که مورد توافق ناقدان قرار نگرفته، بلکه مورد اختلاف بوده است. بدر شاکر السیاب، عبد الوهاب البیاتی و نازک الملائکه هر کدام مدعی هستند که بنیانگذار و مؤسس شعر نو در ادبیات

معاصر عربی بوده اند؛ نازک الملائکه کتابی موسوم بـ «قضايا الشعر المعاصر» نوشته و خود را نخستین سراینده شعر نو عربی معرفی کرده است.⁸

دکتر شفیعی کدکنی در زمینه بنیانگذاری شعر نو عربی و پایه گذار آن در کتاب "شعر معاصر عرب" چنین می گوید: "تقریباً همه ناقدان و شاعران معاصر عرب این نکته را پذیرفته اند که السیاب پیشوای مسلم شعر جدید عرب است... همه او را نخستین شاعر متجدد عرب به شمار آوردند، در گفتگوهایی که من با شاعران و ناقدان معاصر عرب داشته ام، دیده ام که همه متحد القول اند که باید نخستین فصل تاریخ شعر جدید عرب را (بعد از جنگ جهانی دوم) به نام بدر شاکر السیاب نوشت و بر روی هم او را یکی از سه شاعر بزرگ نسل خودش به شمار آورد."⁹

نکته ای که می خواهم در این مقام تذکر بدهم این است که پژوهشگر کنونی مقاله ای تحت عنوان: "دگردیسی شعر عربی و بیدایش شعر نو" به رشته نگارش در آورد و آن را در سال 2013 در مجله نسخه به چاپ رسانید. پژوهشگر در این مقاله به بحث و بررسی تحولات شعر معاصر عربی و مراحل آن به طور مفصل پرداخته؛ لذا از تکرار آنها اجتناب می ورزد و به این ملاحظه اکتفا می نماید.¹⁰

بدر شعر نو عربی در سال 1948م از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شد و کار خود را به عنوان آموزگار زبان انگلیسی در دبیرستان "الرمادی" آغاز کرد؛ اما دیری نپایید که برای دومین بار به خاطر عضویت در حزب کمونیست بازداشت و از کار بر کنار شد و به ده سال ممنوعیت از تدریس محکوم گردید، پس از آن به شرکت نفت عراق که در "بصره" واقع است انتقال یافت، در سال 1950م نیز این کار را رها کرد و به بغداد رفت و در چندین روزنامه مانند: "الثبات"، "الجبهه الشعبیه" و "العالم العربی" فعالیت داشت، وی دیوان جدید خویش را که به عنوان "اساطیر" بود در این سال چاپ کرد.

گریز به ایران

در سال 1329 هـ - 1951م دکتر محمد مصدق دست به ملی کردن صنعت نفت در ایران زد. بدون شک این جنبش نیز بر عراق تأثیر گذاشت؛ لذا مردم عراق با هدف طرفداری از ملی کردن نفت این کشور دست به تظاهرات زدند؛ رفته رفته اوضاع بحرانی و وخیم شد و سرانجام حالت فوق العاده در کشور اعلام گردید. در این میان السیاب در سال 1952 از عراق فرار کرد و به کمک یکی از قاچاقچیان توانست به شهر "المحمره" (خرمشهر کنونی) که در جنوب ایران قرار دارد بگریزد. در این شهر با نام مستعار "علی ارتانک" هفتاد روز اقامت داشت. در هنگام اقامتش در ایران با زبان فارسی آشنا گشت و تا حدی نیز این زبان را فرا گرفت. وی در همین زمان بود که از "شمیران" دیدن کرد و در شهر "تهران" نیز سکونت گزید و با افراد زیادی از روشنفکران و فرهیختگان ایران آشنا شد؛ منتها مدرکی در دست نیست ثابت کند که بدر شاکر السیاب بنیانگذار شعر نو در ادبیات عربی با نیما یوشیج (1897-1959م) بنیانگذار و پیشگام شعر نو در ادبیات فارسی جز این افراد بود. یا نه؟ علی رغم اینکه پژوهشگر کنونی از هیچ بحثی و تفحص در این زمینه دریغ نکرده اما نتیجه قطعی به دست نیامده است. روی هم رفته، السیاب از نزدیک با تجربه تلخ ایرانیان از حزب کمونیست آشنایی پیدا کرد؛ که بدون مبالغه و گزافه گویی می توان چنین گفت که این تجربه تلخ در

دلسردی وحتی بیزاری او از حزب کمونیست که بعداً به جدایی وی از این حزب منجر شد، سهم بسزایی داشته است.¹¹

شاعر پیشاهنگ در اوایل سال 1953م با استفاده از گذرنامه ای ایرانی که توسط یکی از دوستانش در "حزب توده" تهیه شده بود به کویت رفت و درباره این گریز، شعری موسوم بـ "فرار 53" به رشته نظم در آورد. جالب است که السیاب هنگامی که به "کویت" گریخت کتابی با عنوان "آموزش زبان فارسی" در دست داشت. به هرحال درخور توجه است که السیاب دوباره از ایران دیدن کرد. اقامت السیاب در "کویت" در حدود 6 ماه طول کشید سپس به زادگاه خویش بازگشت. همچنین در اینجا شایان ذکر است که اطلاعاتی درباره دوست السیاب به جز اینکه اسمش محمد حسین و ایرانی کمونیست و عربی تبار بود در دست نداریم.¹²

بدر شاکر السیاب "در کویت" به عنوان کارمند شرکت برق مشغول به کار شد و در اینجا بود که سال 1953م شعر "بیگانه ای در خلیج" را که یکی از شاهکارهای شعر معاصر عربی محسوب می گردد، به رشته نظم کشید. او در شعر "بیگانه ای در خلیج" چنین به شکایت وگله مندی از غربت و آوارگی خویش می پردازد:

علی الرمال، علی الخلیج
جلس الغریب، یسرح البصر المحیر فی الخلیج
ویهد أعمدة الضیاء بما یصعد من نشیج
أعلى من العباب یهدر رغوہ ومن الضجیج
صوتٌ تفجر فی قرارة نفسی التکلی: عراق،
کالمِ یصعد، کالسحابه، کالدموع إلى العیون
الریح تصرخ بی: عراق،
والموج یعول بی: عراق، عراق، لیس سوی عراق!
البحر أوسع ما یكون وأنت أبعد ما تكون،
والبحر دونک یا عراق.

إني لأعجب کیف یمكن أن یخون الخائنون!
أیخون إنسانٌ بلاده؟
إن خان معنی أن یكون، فكیف یمكن أن یكون؟
الشمس أجمل فی بلادی من سواها، والظلام
حتى الظلام – هناك أجمل، فهو یحتضن العراق.
واحسرتاه، متى أنام.

غدیتُ تربتك الحبیبة

وحملتها فأنا المسيح يجرُّ في المنفى صليبه،
فسمعت وقع خطى الجياع تسير، تُدمى من عثار
فتنذر في عيني، منك ومن مناسمها، غُبار.
ما زلتُ أضرب، مُترَبَ القدمين أشعث، في الدروب
تحت الشمس الأجنبية،
متخافقَ الأطمار، أبسط بالسؤال يداً نديّة
صفراء من لثِّ وحُمى: ذلَّ شحاذٍ غريب
بين العيون الأجنبية.

واحسرتاه.. فلن أعود إلى العراق!
وهل يعودُ
من كانت عوزه النقود؟ وكيف تُذخِرُ النقودُ
وأنت تأكلُ إِدَّ تجوع؟ وأنت تُنفقُ ما يجودُ
به الكرام، على الطعام؟
لتبكيَنَّ على العراق
فما لديك سوى الدموع
وسوى انتظارك، دون جدوى، للرياح وللقلوع!¹³

پیشاهنگ شعر نو در سال 1953م شعر "روسپی کور" و "اسلحه وکودکان" را چاپ کرد، و در سال 1955 با خانم "اقبال" دختر طه عبد الجلیل ازدواج کرد، همچنین در این سال برای سومین بار دستگیر شد و در سال 1956م دختر بزرگ شاعر "غیدا" دیده به جهان گشود. او نیز در این سال در کنفرانس "ادبای عرب" که در دمشق برگزار شده بود، شرکت کرد.

شاعر در سال های 1953-1956م به مهم ترین نزاع های ادبی خود دست زد و خواست به جهانیان ثابت کند که او به عنوان پیشاهنگ و بنیانگذار شعر نو در ادبیات معاصر عربی است، به همین خاطر او مقاله های گوناگونی را به رشته نگارش در آورد و آنها را در مجله های "الشعر"، "الحوار" و "الأداب" به چاپ رسانید. در سال 1957م دومین فرزند السیاب "غیلان" به دنیا آمد. تولد این فرزند مایه خوشحالی و خرسندی شاعر گشت و به این مناسبت شعری با عنوان "زهی غیلان" را به رشته نظم در آورد.

کمونیست بودم

بدر شاکر السیاب برای دومین بار در سال 1958م در وزارت آموزش و پرورش به عنوان آموزگار زبان انگلیسی مشغول به کار شد. سپس از حزب کمونیست کناره گیری کرد و با نوشتن مقاله های سیاسی با عنوان "کمونیست بودم" در روزنامه "الحرية" در برابر کمونیست ها موضع گیری کرد، آنگاه به عنوان مترجم سفارت پاکستان در بغداد استخدام شد، و بعد از چند ماه استعفا داد و به "بصره" برگشت؛ زیرا که وی به ضعف عمومی و ناتوانی

فراگیر جسمانی مبتلا گشت و گرفتار تهیدستی و بدبختی گردید، همچنین از گرفتاری‌ها و دردهای مردم عراق رنج می‌برد. در این میان آوازه‌السیاب در عراق و جهان عرب کم‌کم گسترش پیدا کرد.

بنیانگذار شعر نو عربی در سال 1961م بار دیگر دستگیر شد و در حدود دو هفته در زندان محبوس بود؛ سپس به اداره‌بندرها و بعد در اداره‌امور فرهنگی و پس از آن به عنوان مسوول اعزام دانشجویان منصوب گشت؛ سرانجام به عضویت هیأت تحریریه مجله "الموانیء" در آمد. در همان سال دختر دوم السیاب به نام "الاء" دیده به جهان گشود؛ او در این هنگام در کنفرانس "ادب معاصر عربی" که در رم برگزار شد، شرکت کرد و مقاله‌ای با عنوان "تعهد و عدم تعهد در ادبیات نوین عربی" ارائه نمود.

بدر شاکر السیاب در اواخر سال‌های عمر خود به زادگاه خویش برگشت و چندین شعری که بوی مرگ می‌دهد، سرود. از سال 1962 به بعد سلامتی او رو به وخامت نهاد سپس فلج شد و برای معالجه به بیروت، لندن، پاریس و کویت رفت و مجموعه‌ای از اشعار در قالب جدید شعر نو در لندن نوشت؛ تا جایی که می‌توان گفت که وی هر روز یک شعر یا بیشتر می‌نوشت.

سرانجام پیشاهنگ شعر نو در ادبیات عربی در یکی از بیمارستان‌های کویت در تاریخ 1964/12/24م در سن 38سالگی با بیماری ذات‌الریه- مانند نیما یوشیج بنیانگذار شعر نو در ادبیات فارسی- دیده از جهان فروبست، و جسد وی به عراق منتقل شد و تنها تعداد معدودی از دوستانش در مراسم خاکسپاری او شرکت کردند. در سال 1971م به مناسبت سالگرد درگذشتش مجسمه‌وی بر روی "شط العرب" نصب شد.¹⁴

آثار السیاب

بدر شاکر السیاب علاوه بر شعر، در نثر نیز دستی توانا داشت و چندین اثر ادبی جهانی را نیز به زبان عربی برگردانده است. مجموعه آثار گرانقدر وی که دربرگیرنده آثار منظوم، مثنوی: مقاله‌ها، نقدها، نامه‌ها و ترجمه‌ها به شرح زیر است:

الف: آثار شعری

- 1- مقدمات: مجموعه قصاید که در سال‌های 1944-1941م سروده است.
- 2- گیتار باد، 1944.
- 3- بامداد صلح: مجموعه شعر سیاسی درباره حزب کمونیست.
- 4- گل‌های پژمرده، 1947.
- 5- گردبادها: مجموعه شعر سیاسی که در سال 1948 سروده شده است.
- 6- اساطیر، 1950.
- 7- گورکن، 1952.
- 8- روسپی کور، 1954.
- 9- اسلحه و کودکان، 1955.

- 10- سرود باران، 1960.
- 11- پرستشگاه غریق، 1963.
- 12- منزل خدمتگزاران، 1963.
- 13- کلبه دختر جلیبی، 1964.
- 14- اقبال، 1965.
- 15- هدیه ها: که به مراحل گوناگونی زندگی السیاب برمی گردد.
- 16- غرش طوفان: که دیوان سیاسی ومایه تأسف است که گم شده است.
- 17- قصیده ای با عنوان "میان روح و جسم" که بیش از هزار بیت است و السیاب آن را برای شاعر مصری علی محمود طه فرستاده بود تا مقدمه ای بر آن بنگارد. اما متأسفانه وی دیده از جهان فروبست؛ در حالی که این قصیده گم شده و تنها 120 بیت از آن باقی مانده است. نکته ای که می خواهیم در اینجا تذکر بدهم این است که برخی سروده های السیاب مفقود گشته و همه اشعار او نیز به چاپ نرسیده است.

ب: نثر و ترجمه¹⁵

- 1- سخنرانی که در کنفرانس ادیبان عرب در دمشق با عنوان "روش هایی که عرب ها با استفاده از آن، ادبیات نوینش را می شناساند"، 1956.
- 2- مقاله های پراکنده در هفته نامه "الشعب" 1957-1958.¹⁶
- 3- من کمونیست بودم. مجموعه مقالاتی که در روزنامه "الحرية" از آغاز سال 1959م به چاپ رسیده.
- 4- تعهد وعدم تعهد در ادبیات نوین عربی: عبارت است از متن سخنرانی که توسط شاعر در رم ایراد شد و در کتاب "ادبیات معاصر عربی" در سال 1962م منتشر گردید و بار دیگر در کتاب "بدر شاکر السیاب، مرد وشاعر" انتشار یافت.
- 5- عرب و تئاتر: مقاله ای که در کتابچه ای از انتشارات نهضت به هنگام اجرای نمایشنامه "مردگان بی گور" اثر ژان پل سارتر که گروه نمایش آزاد در سال 1960 آن را به روی صحنه برد، انتشار یافت.
- 6- موضوع های انشایی نگارش یافته در سال های 1963-1962، از دفتری که استاد محمود یوسف در اختیار دارد، اخذ گردید.
- 7- نامه های السیاب به استاد خالد الشواف میان سال های 1963-1967.
- 8- نامه های السیاب به دکتر سهیل ادريس میان سال های 1962-1954.
- 9- نامه های السیاب به علی احمد سعید مشهور به "ادونیس" میان سال های 1964-1957.
- 10- نامه های السیاب به سیمون جارچی که به پیوست انتشار "روشنایی ها" در کتاب "السیاب؛ مرد وشاعر" چاپ گردید، بدون تاریخ.
- 11- نامه های پراکنده السیاب در مجله رادیو وتلوویزیون با عنوان بدر شاکر السیاب که در سال 1969م به چاپ رسیده است.

- 12- نامه عراق به مجله گفتگو، چاپ بیروت، 1963.
 13- چشم های "الزا" یا "عشق و جنگ" اثر لویی آراگون، چاپ خانه دار السلام، بغداد؛ بدون تاریخ.
 14- قصیده هایی برگزیده از شعر نوین جهانی، بغداد، بدون تاریخ.

مراحل شعری السیاب

می توان مراحل شعری السیاب را به چهار مرحله تقسیم کرد:

اولاً: مرحله رومانتیک یا احساس گرایی (1943-1948).

ثانیاً: مرحله واقع گرایی (1949-1955).

ثالثاً: مرحله رئالیستی سوسیالیستی (1956-1960).

رابعاً: مرحله خودگرایی (1961-1964).

هم اکنون به بحث و بررسی این مراحل را به صورت جداگانه می پردازیم:

اولاً: مرحله رومانتیک یا احساس گرایی

این مرحله در برگیرنده سال های 1943-1948 که شاعر دوره جوانی را می گذارند و جنبش رومانتیک در جهان عرب به وسیله مکتب "آپولو" به اوج خویش رسیده بود، در حالی که السیاب در این سن شاهد فجایع تلخی بود؛ او از شش سالگی از نعمت وجود مادر محروم گشت و چند ماه بعد، پدرش ازدواج کرد و در همین هنگام بود که مادر بزرگش را نیز از دست داد؛ از دردهایی که السیاب با آن روبرو بود این است که او در فقدان مادر و دور از پدر و مادر بزرگش در غربت به سر می برد و از زندگی در شهر نیز مانند نیما یوشیج دلزده شده بود. علاوه بر آن شاهد جنگ جهانی دوم و اشغال شدن جهان عرب بود. بنابراین وی تلاش کرد تا از این واقعیت تلخ فرار کند. بدون شک همه این اسباب در گرایش او به رومانتیک مؤثر بود.

در این مرحله شاعر از اشعاری که از نظر فنی در سطح بالایی قرار گرفته باشد، بی بهره ماند و تجربه ها و پختگی فرهنگی و ادبی او هنوز به مرحله تکامل نرسیده بود. این کم تجربگی در شعرهای نخستین او به چشم می خورد و اغلب قصیده های این مرحله، غزل و وصف است.

السیاب در این دوره به حزب کمونیست عراق گرایش یافت ولی وی از پختگی سیاسی چندانی برخوردار نبود. شاعر در این مرحله از غم ها و رنج های عاطفی و دگرگونی میان آرزو و امید، نزدیکی و دوری، خیال و واقعیت در اشعارش سخن به میان می آورد و از خلال برخوردهایی که با معشوقه اش در تجربه های عاشقانه داشته است، اشعار رومانتیک را می سرود.

اگرچه در این مرحله تأثیری از روماننتیک عرب در اشعار شاعر نمی بینیم؛ اما بیشتر به روماننتیک اروپایی گرایش داشته است. زیرا همان گونه که می دانیم او فارغ التحصیل ادبیات انگلیسی است و از بزرگان این ادبیات به ویژه "شلی" و "کیس" تأثیر پذیرفته است. این تأثیر در برخی اشعار السیاب مانند شعر "دنبالم بیا" و "خاطره دیدار" روشن است. به طور کلی السیاب دنباله رو هیچ شاعری خواه عرب خواه اروپایی باشد نبوده و از این شاعران تقلید نکرده است؛ به جز در مورد به کار گیری اسطوره که از الیوت گرفته، اما برخی از ناقدان عرب السیاب را شاگرد تی. اس. الیوت در بعضی موارد می دانند.¹⁷ شایان یادآوری است که گرایش روماننتیکی السیاب با دیگر شاعران متفاوت است؛ زیرا که در گرایش روماننتیکی او امید به انقلاب و دگرگونی اوضاع اجتماعی موج می زند، در حالی که هدف از گرایش روماننتیک پیش دیگر شاعران عرب خوشگذرانی بود.

اگر می خواهیم اینجا نمونه ای از شعر این مرحله ذکر کنیم، می توانیم شعر زیر را از "دنبالم بیا" رجوع کنیم:

اتبعيني... ها هي الشيطان يعلوها دهل
 ناصل الألوان كالحلم القديم
 عادت الذكري به ساج كأشباح نجوم
 نسي الصبح سناها والأفول
 في سهاد ناعس بين جفون
 في وجوم الشاطئ الخالي كعينيك انتظار
 وظلال تصبغ الريح وليل ونهار
 صفحة زرقاء تجلو في برود
 وابتسام غامض ظل الزمان
 للفراغ المتعب البالي على الشط الوحيد
 اتبعيني في غد يأتي سوانا عاشقان
 في غد حتى وإن لم تتبعني
 يعكس الموج على الشط الحزين
 والفراغ المتعب المخنوق أشباح السنين.¹⁸

ثانياً: مرحله واقع گرایی

بنیانگذار شعر نو از مرحله روماننتیک گذر کرد و به سوی مرحله ای دیگر از مراحل شعری خود گام برداشت؛ یعنی مرحله واقع گرایی است (1955-1949) که شاعر خود را در برابر کارگران، کشاورزان، رنجدیدگان، آوارگان، قربانیان جنگ و کودکانی که باید فردای جامعه را به دست بگیرند، مسؤول می بیند. وی این واقعیت ها را به زبان شعر بازگو می کند. ملاحظه می شود که چگونه این وقائع، پایبندی را در ذهن او نسبت به شعر نو ایجاد می

نمود. آن هم در هنگامی که حاکمیت سیاسی در عراق به دست رهبران خودکامه افتاده و آرزوهای مردم این کشور در مورد اصلاحات اراضی به یأس تبدیل شده است.

السیاب، حوادث ناشی از طغیان رود دجله را که خسارت های زیادی به بار آورده بود در قالب شعر نو سروده و شعری غمناک با عنوان "سرود باران" که زبیده درد ورنج مردم عراق است، به رشته نظم در آورده است. شاعر بر اثر طغیان نهر دجله با شنیدن صدای هر قطره آب، دچار غم و اندوه می شد، السیاب در "سرود باران" که یکی از مشهور ترین اشعار وی است چنین می گوید:

عیناکِ غابتا نخیلِ ساعة السحر،
أو شرفتان راح ینأی عنهما القمر.
عیناکِ حین تبسمان تورق الکروم
وترقص الأضواء... کالأقمار فی نهر.

أتعلمین أی حزن یتبع المطر؟
وکیف تتشج المزاریب إذا انهمر؟
وکیف یشعر الوحید فیہ بالضیاع؟
بلا انتهاء - کالدّم المراق، کالجیاع،
کالحبّ، کالأطفال، کالموتی - هو المطر !

أصیح بالخلیج: " یا خلیج
یا واهب اللؤلؤ، و المحار، والرّدی !"
فیرجع الصّدی
کأذّه النشیج:
" یا خلیج
یا واهب المحار والرّدی.."

أکاد أسمع النخیل یشرب المطر
وأسمع القرى تننّ، و المهاجرین
یصارعون بالمجازیف و بالقلوع،
عواصف الخلیج، و الرعود، منشدین:
" مطر...مطر...مطر..."

وفی العراق جوع
وینثر الغلال فیہ موسم الحصاد

لتنشيع الغربان والجراد
وتطحن الثَّوان والحجر
رحىً تدور في الحقول... حولها بشرٌ
مطر...مطر...مطر...
وكم ذرفنا ليلة الرحيل، من دموغ
ثم اعتللنا - خوف أن نلام - بالمطر...
مطر...مطر...
ومنذ أن كُنَّا صغاراً، كانت السماء
تغيمُ في الشتاء
ويهطل المطر،
وكلَّ عام - حين يعشب الثرى - نجوغ
ما مرَّ عامٌ والعراق ليس فيه جوغ.
مطر...مطر...مطر...

وفي العراق ألقى تشرب الرَّحيقُ
من زهرة يربُّها الفرات بالندى.
وأسمع الصدى
يرنُّ في الخليج
"مطر..مطر..مطر..
في كلِّ قطرة من المطرُ
حمراء أو صفراء من أجنَّة الرُّهْر.
وكلُّ دمعة من الجياح والعراة
وكلُّ قطرة تراق من دم العبيدُ
فهي ابتسأَم في انتظار مبسمٍ جديد
أو حُلْمَةٌ تورَّدت على فم الوليدُ
في عالم الغد الفتى، واهب الحياة"
ويهطل المطرُ...¹⁹

شايان ذكر است كه شعر "سرود باران" مورد توجه وبررسى منتقدان وپژوهشگران عرب زبان قرار گرفته كه از جمله اين پژوهشگران مى توان به آقاي الياس خورى ودكتورعلى الشرع اشاره كرد. الياس خورى در كتاب خود موسوم بـ"دراسات في نقد الشعر" به نقد وبررسى مفصل اين شعر پرداخته²⁰؛ همچنين دكتور على الشرع مقاله اى تحت عنوان "قراءة في أنشودة المطر للسياب" را به رشته نگارش درآورده وأن را در مجلة "ابحاث

اليرموك" به چاپ رسانده است.²¹ این توجه و اهتمام به شعر "سرود باران" به فارسی زبانان رسیده و برخی مقالات درباره این شعر نگارش یافته است؛ به عنوان مثال می توان به مقاله دکتر امیر حسین رسول نیا و مریم آقاجانی اشاره کرد که زیر عنوان "مبارزه و پایداری در شعر بدر شاکر السیاب با تکیه بر شعر انشوده المطر" به چاپ رسیده است.²²

نکته ای دیگر که می خواهم اینجا تذکر بدهم این است که برخی از ناقدان عرب به مقایسه میان شعر "سرود باران" و شعر "سرزمین ویرانه" الیوت پرداخته اند. دکتر نایف العجلونی مقاله ای تحت عنوان "الأرض الیباب وأنشودة المطر معالم بارزة في طریق الحداثة" را به رشته نگارش در آورد و به بحث و بررسی این دو شعر از جنبه های گوناگون پرداخته است.²³

روی هم رفته، السیاب در این دوره بیشتر در مورد عراق و جهان عرب و مبارزات ضد استعماری، شعر می سرود. به طور مثال شعر "روسی کور" از شرایط بحرانی عراق و گرفتاری های اجتماعی و فقر و گرسنگی مردم، سخن می راند، گویا که "روسی" یکی از قربانیان است. او در این مرحله تحت تأثیر حزب کمونیست قرار گرفت؛ لذا به رنج های جامعه و امور واقعی که مردم را آزار می دادند، توجه و اهتمام می ورزید، و مسائل واقعی را به معرض نمایش قرار داد. مصداق این شعرهای: "روسی کور"، "گور کن" و "اسلحه و کودکان" است.

پدر شعر نو، هشت سال عضو حزب کمونیست بود و بدون شک این تجربه تأثیر بسزایی در شعر او بر جای نهاد. او به احساسات و نابسامانی های مردم توجه داشت و فراتر از مشکلات خود به درد و رنج دیگران نظر افکنده، صدای مردم را در شعرش منعکس می نمود. این مسایل در چندین شعر مانند: "با امداد صالح"، "گور کن"، "اسلحه و کودکان" و "روسی کور" تجلی می یابد. در این مرحله اسطوره جزئی از اشعار السیاب گشته و بهترین نمونه آن شعر "روسی کور" است که پر از اسطوره هاست. خلاصه کلام این است که السیاب به واقعیت جامعه عرب توجه می کرد و به مسائلی مانند: فقر، فساد، سستی و تفرقه گرایی که چون خوره ای است که از درون به جان این جامعه افتاده بود اشاره می نمود.²⁴

ثالثاً: مرحله رئالیستی سوسیالیستی

شاعر نوپرداز، بعد از مرحله واقع گرایی به مرحله تازه ای وارد شد که به رئالیستی سوسیالیستی شناخته می شود (1960-1956)، او شعر "روسی کور" را در سال 1954 سرود و به چاپ رساند. انتشار این شعر به جدایی السیاب از حزب کمونیست و نیز به استقلال سیاسیش انجامید و او را به سمت ناسیونالیسم سوق داد. بدون شک اشعار ناسیونالیستی او مانند: "بورسعید"، "سرزمین مغرب عربی" و "جیکور و شهر" نشان دهنده این دوره شعری السیاب است. در شعر "جیکور و شهر" چنین آمده است:

وتلنفتُ حولي دروبُ المدينة:
حبالاً من الطین یمضغن قلبی
ويعطين، عن جمرة فيه، طينة،

حبالاً من النار یجلدن عُری الحقول الحزینة

ویُحرقن جیکور فی قاع روجی

ویزرعن فیها رماد الضغینة.

دروبُ تقول الأساطیر عنها

علی موقدٍ نام: ما عاد منها

ولا عاد من ضفة الموت سار،

کأنَّ الصدی والسکینة

جناحا أبی الهول فیها، جناحان من صخرةٍ فی تراها دفینة.

مصابیح لم یُسرج الزیتُ فیها وتمسه نار

وفی کل مقهى وسجن ومبغی ودار:

"دمی ذلک الماء، هل تشرّبونه؟

ولحمی هو الخبز، لو تأکلونه!

وتموز تبکیه لآء الحزینة

ترفع بالنواح صوتها مع السَّحْر

ترفع بالنواح صوتها کما تنهّد الشجرُ

تقول: "یا قطار یا قدرُ.

و جیکور من دونها قام سور

وبوابة

و احتوتها سکینة.

فمن یخترق السور؟ من یفتح الباب؟ یدمی علی کل قفل یمینه؟

ویُمنای لا مخلبٌ للصراع فأسعی بها فی دروب المدينة

و لا قبضةٌ لابتعاث الحياة من الطین...

لکدّها محض طینة

و جیکور من دونها قام سورُ

و بوابة

واحتوتها سکینة.²⁵

شاعر بزرگ عراق پس از جدایی از حزب کمونیست به رمز گرایی و اسطوره ها روی آورد و گاهی اوقات به کارگیری اسطوره ها، مبالغه و اغراق می کرد؛ لذا این مرحله نیز به مرحله اساطیر مشهور است. در این مرحله از "اسطوره تموز" که یکی از اسطوره های

یونان باستان است استفاده می کند، در این اسطوره، خدایان مورد پرستش بودند و مردم نیازهای خود را از آنها درخواست می کردند.

اسطوره "ادونیس" یا تموز، که خدای سرسبزی بود. موضوع این اسطوره به اختصار، مرگ برای زندگی و نیز مرگی که پس از آن حیات و برانگیخته شدن هست، می باشد. تی. اس. الیوت شاعر معاصر اسطوره تموز را در قصیده "سرزمین ویرانه" نمایانده است. در حالی که السیاب در کاربرد اسطوره تموز در اشعارش برعکس الیوت عمل می کند؛ الیوت، تمدن کهن و پیر اروپا را در شعرش می آورد، اما السیاب به احیای دوباره تمدن عربی که از طبق دیدگاه او مرده است، توجه می کند. او در این زمینه تحت تأثیر الیوت؛ به اسطوره ها توجه زیادی نشان می داد و از وی پیروی می کرد. این مرحله برجسته ترین و مهم ترین دوره شعر السیاب محسوب می گردد؛ زیرا که شعر ایشان در این برهه به اوج خود رسید. او توانست ثابت کند که به حق پیشاهنگ و بنیانگذار شعر نو در ادبیات معاصر عربی است. شایان ذکر است که دوره مذکور را می توان "عصر طلایی" السیاب نامید.

رابعاً: مرحله خودگرایی

این مرحله آخرین دوره و مرحله شعری السیاب است (1964-1961). او در این مرحله به درون خود باز می گردد ویر اثر بیماری که بدان دچار شده بود، خود را برای مرگ آماده می کرد. وی در اغلب اشعارش از آمدن مرگ و این که هیچ چاره ای از آن نیست، سخن به میان می آورد. او بیشتر به یادآوری خاطرات گذشته اش می پردازد؛ خانه پدرش، خاطراتش از مدرسه، آوارگی و گریختن به ایران و خاطراتش از لندن و کویت را در ذهن تداعی کرده، از دیدگاه مرگ به آنها می نگرد. در این زمینه می تواند به شعر "سفر ایوب" که از بهترین اشعار السیاب شمرده می شود، اشاره کرد. وی در شعر "سفر ایوب" چنین می گوید:

لَكَ الْحَمْدُ مَهْمَا اسْتَطَالَ الْبَلَاءُ
وَمَهْمَا اسْتَبَدَّ الْأَلَمُ،
لَكَ الْحَمْدُ، إِنَّ الرِّزَايَا عَطَاءُ
وَإِنَّ الْمَصِيبَاتِ بَعْضُ الْكَرَمِ.
أَلَمْ تُعْطِنِي أَنْتَ هَذَا الظَّلَامَ
وَأَعْطَيْتَنِي أَنْتَ هَذَا السَّحْرَ؟
فَهَلْ تَشْكُرُ الْأَرْضَ قَطْرَ الْمَطَرِ
وَتَغْضَبُ إِنْ لَمْ يَجِدْهَا الْغَمَامَ؟
شَهْوَرٌ طَوَالَ وَهَذِي الْجِرَاحُ
تَمَرَّقُ جَنْبِي مِثْلَ الْمَدَى
وَلَا يَهْدَأُ الدَّاءُ عِنْدَ الصَّبَاحِ
وَلَا يَمْسَحُ اللَّيْلُ أَوْجَاعَهُ بِالرَّدَى.

يَارْبُ أَيُوبَ قَدْ أَعْيَا بِهِ الدَّاءُ
فِي غَرْبَةٍ دُونَ مَا لَمْ يَلَا سَكْنَ
يَدْعُوكَ فِي الدُّجَنِ
يَدْعُوكَ فِي ظِلْمُوتِ المَوْتِ: أَعْبَاءُ
نَادَ الفُؤَادَ بِهَا فَارحَمَهُ إِنْ هَتَفَا.
يَا مُنْجِباً قَلْبَ فُلُوحٍ مَرَّقَ السُّدْفَا
عَدِّي. أَعْدِنِي إِلَى دَارِي، إِلَى وَطْنِي!

إِثْرِي سَأشْفِي، سَأُنْسِي كُلَّ مَا جَرَحَا
قَلْبِي، وَعَرَى عِظَامِي فِيهَا رَاعِشَةً وَاللَّيْلَ مَقْرُورَ.
وَسَوْفَ أَمْشِي إِلَى جِيكُورَ ذَاتِ ضُحَى!²⁶

در این مرحله، ملاحظه می شود که سیاب به بدبینی می گراید به گونه ای که به همه چیز در این جهان از دریچه مرگ می نگریست. او تحت تأثیر اندیشه های مرگ و این نگاه بدبینانه، چندین مجموعه شعری مانند: "پرستشگاه غریق"، "منزل خدمتگزاران"، "کلبه دختر جلبی" و "اقبال" را به رشته نظم در آورد.

شایان ذکر است که دکتر شفيعی کدکنی در کتاب "شعر معاصر عرب" مراحل شعری سیاب را به سه مرحله تقسیم نمود و گفته است: "بعد از مرحله رومانτισم، کارهای دوران پختگی و کمال تجربه شعری در آثار سیاب، می توان به سه مرحله تقسیم شود: مرحله رئالیسم سوسیالیستی، مرحله ای که در نظر ناقدان عرب به مرحله تموزی شهرت یافته و مرحله ایوبی یا مرحله رنج...، ولی از سال 1953 به بعد وی به نوعی واقع گرایی سوسیالیستی پرداخت"²⁷ در حالی که به مرحله خود گرایی اشاره نکرده است.

در پایان درخور ذکر است که بدر شاکر سیاب از چهره های شناخته شده در زبان فارسی و مورد اهتمام و عنایت پژوهشگران فارسی زبانان قرار گرفته است. منتقدان و استادان دانشگاه های ایران چندین مقاله درباره اشعار وی و علی الخصوص در زمینه ادبیات تطبیقی نوشته اند. از جمله این مقالات می توان به مقاله های زیر اشاره کرد: "بررسی تطبیقی طبیعت در شعر سهراب سپهری و بدر شاکر السَّیَّاب" از دکتر صلاح الدین عبدی و محمد احمدی از ندریانی²⁸، مقاله "روایت پردازی افسانه ها و اسطوره ها در سروده های مهدی اخوان ثالث و بدر شاکر السَّیَّاب" از دکتر محمود حیدری و ام البنی خرمیان²⁹، مقاله "تحلیل تطبیقی شعر مرد مصلوب احمد شاملو و المسیح بعد الصلب بدر شاکر السَّیَّاب، از دکتر علی صفایی و علی رضا قاسمی³⁰ و مقاله "مرگ زندگی بخش در شعر بدر شاکر السَّیَّاب و نیما یوشیج، از دکتر فرهاد رجبی.³¹

Badr Shakir al Sayyab: the Pioneer of Modern Poetry in Contemporary Arabic Literature

Bassam Rababah, Dept. of Semitic and Oriental languages, College of Arts, Yarmouk University, Irbid, Jordan.

Abstract

Badr Shakir al Sayyab (1926- 1964) was a leading modern poet in the Arab world as he enjoys a special status in the modern Arabic literature and a founding pioneer of the modern poetry. His poems are very well known for being translated into English and Persian. He was also a professional prose writer. Thus, his legacy is not limited to poetry but extends to include essays theses and some translated masterpieces from English into Arabic. Al Sayyab was well versed in Arabic and learnt Persian when he was in Iran.

The present study aims at introducing Badr Shakir al Sayyab to the Persian language speakers as a pioneer in modern Arabic poetry in the contemporary Arabic literature. It also sheds more light on life, his early poetic attempts and his new approach to Arabic poetry. The study highlights his legacy, his writings and his political views. Further, the study investigates the stages of his poetry with several illustrative samples.

Keywords: Badr Shakir al Sayyab, modern poetry, contemporary Arabic literature.

بدر شاكر السياب رائد الشعر الحديث في الأدب العربي المعاصر

بسام ربابعة، قسم اللغات السامية والشرقية، كلية الآداب، جامعة اليرموك، إربد، الأردن.

ملخص

يعدُّ بدر شاكر السَّيَّاب (1926- 1964م) من الشعراء المعاصرين الأكثر شهرة في العالم العربي؛ إذ إنه يتمتع بمكانة خاصة في الأدب العربي المعاصر؛ فهو رائد الشعر الحديث ومؤسسه، وأثاره الشعرية معروفة ومشهورة أيضاً؛ وقد ترجم بعضها إلى اللغة الفارسية والإنجليزية، إلا أنَّ آثار السياب ليست محصورة في الشعر؛ فإنَّ له آثاراً نثرية متنوعة أيضاً، وهي تشمل المقالات، والكتابات النقدية، والرسائل، وبضعة آثار أدبية عالمية ترجمها من اللغة الإنجليزية إلى العربية؛ كما كان السياب متبحراً في اللغة العربية، ومطلعاً على اللغة الفارسية التي تعلمها إلى حدِّ ما أثناء إقامته في إيران.

لقد خصَّص الباحث هذا البحث لتعريف الناطقين باللغة الفارسية ببدر شاکر السیاب؛ من حيث كونه رائداً ومؤسساً للشعر الحديث في الأدب العربي المعاصر؛ فعمل على تناول هذا الموضوع معرّفاً بحياة السیاب، وأثاره، وبيدایاته الشعرية، ونشاطه الحزبي والسياسي، وتجديده في الشعر العربي المعاصر، ومراحل تجربته الشعرية؛ مستشهداً بنماذج مختلفة من أشعاره، ومن المؤمل أن يكون هذا البحث قد جلی حياة السیاب، وأثاره، ودوره في ريادة الشعر العربي المعاصر بشكل واضح للناطقين باللغة الفارسية.

الكلمات المفتاحية: بدر شاکر السیاب، رائد الشعر الحديث، الشعر العربي المعاصر، الأدب العربي.

پی نوشت ها و یادداشت ها

- 1- جیکور: واژه است فارسی که مرکب از دو کلمه جوی و کور گرفته است. این روستا مقام و جایگاهی بس والا در شعر السیاب دارد و به وسیله وی شهرت جاودانه پیدا کرد.
- 2- نگاه کنید: بدر شاکر السیاب، مقدمه الديوان، جلد 2، دار العودة، بیروت، ص 27.
- 3- نگاه کنید: همان مآخذ، جلد 2، ص ص 33-35.
- 4- محمد رضا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، چاپ دوم، انتشارات سخن، طهران، 1380 ص 138 و 139. همچنین ن.ک: بدر شاکر السیاب، مقدمه الديوان، جلد 1، ص ب ب.
- 5- بدر شاکر السیاب، مقدمه الديوان، ص ل.
- 6- همان منبع، جلد 1، ص 101.
- 7- همان منبع، مقدمه الديوان، جلد 1، ص ع وف. همچنین نگاه کنید: بسام ربابعة، دگرديسی شعرعربی و پیدایش شعر نو، مجله نسخه، مرکز مطالعات علمی و تکنولوژی ترکیا (TÜBİTAK)، صص 117-140، شماره 37، انکارا، 2013م. و همچنین نگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
- 8- نازک الملائكة، قضايا الشعر العربي المعاصر، ص 35. <https://www.drababah.blogspot.com/2015/06/blog-post.html>
- 9- محمد رضا شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، ص 132 و 133، و نگاه کنید: یحیی الشامی، موسوعة الشعراء العرب، جلد 3، بیروت، 1962، ص 89.
- 10- نگاه کنید: إحسان عباس، بدر شاکر السیاب، دراسة في حياته وشعره، الطبعة الخامسة، دار الثقافة، بیروت، 1983، ص 173.
- 11- نگاه کنید منبع پیشین، همان صفحه.
- 12- بسام ربابعة، دگرديسی شعر عربی و پیدایش شعر نو، مجله نسخه، مرکز مطالعات علمی و تکنولوژی ترکیا (TÜBİTAK)، صص 117-140، شماره 37، انکارا، 2013م.
- 13- بدر شاکر السیاب، الديوان، جلد 1، ص ص 317-323.
- 14- برای دست یافتن به اطلاعات بیشتر درباره بدر شاکر السیاب و شعر وی می توان به مراجع زیر مراجعه کرد:

- إحسان عباس، بدر شاكر السياب، دراسة في حياته وشعره، الطبعة الخامسة، دار الثقافة، بيروت، 1986.
- إيليا حاوي، بدر شاكر السياب، شاعر الأناشيد والمرثي، دار الكتاب، بيروت، 1983.
- عيسى بلاطة، بدر شاكر السياب حياته وشعره، الطبعة الرابعة، دار الشؤون الثقافية، بغداد، 1987.
- حسن توفيق، شعر بدر شاكر السياب، دراسة فنية وفكرية، دار أسامة، عمان، 1997م
- عبد الجبار داود البصري، بدر شاكر السياب، راند الشعر الحر، الطبعة الثانية، دار الشؤون الثقافية، بغداد، 1986.
- القصيدة العربية في موازين الدراسات اللسانية الحديثة، قصيدة أشودة المطر للسياب أنموذجاً، صفية بنت زينة، رسالة دكتوراه، قسم اللغة العربية، كلية الآداب واللغات والفنون، جامعة السانبا وهران، 2013/2012م ونگاه كنيد اين رساله به رابط زير است:
- <http://theses.univ-oran1.dz/document/45201486t.pdf>
- 15- اين ليست، ترجمه ای است از دكتور احسان عباس، بدر شاكر السياب، ص 421.
- 16- اين مقاله دربرگیرنده برخی از خاطرات او، نقد داستان نویسان و نقد جامعه عراقی است. ن.ک دكتور إحسان عباس، بدر شاكر السياب، ص 291.
- 17- نگاه كنيد: كمال خير بك، حركة الحدائة في الشعر العربي المعاصر، ص 47.
- 18- بدر شاكر السياب، الديوان، جلد 1، ص 39-40.
- 19- بدر شاكر السياب، مقدمه الديوان، جلد 1، ص 474-481.
- 20- إلياس خوری، دراسات في نقد الشعر، الطبعة الثانية، دار ابن رشد، 1981م.
- 21- علی الشرع، "قراءة في "أنشودة المطر" للسياب، مجلة أبحاث اليرموك، المجلد الثالث، العدد الثاني، ص 63-85.
- 22- دكتور امير حسين رسول نيا ومريم آقاجانی، "مبارزه وپایداری در شعر بدر شاكر السياب با تکیه بر شعر انشوده المطر"، مجلة ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی کرمان، صص 51-72، شماره 8، بهار وتابستان 1392، 2013م. ونگاه كنيد اين مقاله به رابط زير است:
- http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/24113920803.pdf
- 23- نايف العجلوني، "الأرض اليباب وأنشودة المطر معالم بارزة في طريق الحدائة"، مجلة أبحاث اليرموك، صص 163-207، المجلد 14، العدد 1، 1996.
- 24- نگاه كنيد: كمال خير بك، حركة الحدائة في الشعر العربي المعاصر، ص 47.
- 25- بدر شاكر السياب، الديوان، جلد 1، ص ص 414-419.
- 26- همان منبع، جلد 1، ص ص 248-259.
- 27- شفيعی كدكنی، شعر معاصر عرب، ص 141 و 142.
- 28- دكتور صلاح الدين عبدی ومحمد احمدی ازندريانی، بررسی تطبيقی طبيعت در شعر سهراب سپهری و بدر شاكر السياب، كاوشنامه ادبیات تطبيقی، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه سال دوم، صص 111-113 شماره 8، زمستان 1931 هـ. ش/ 1191 هـ. ق/ 2112 م.، ونگاه كنيد اين مقاله به رابط زير است:

http://jcl.razi.ac.ir/article_85_a7943ed80bf3e21093eb5cd2bc7b0a49.pdf

29- دکتر محمود حیدری وام البنی خرمیان روایت پردازی افسانه ها واسطوره ها در سروده های مهدی اخوان ثالث و بدر شاکر السیاب، دو فصلنامه ادبنامه تطبیقی، ص ص 81 - 94، سال اول، شماره اول، پاییز وزمستان، 1393 هـ، 2015 م، نگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:

<file:///C:/Users/you/Downloads/CLK16901424377800.pdf>

30- دکتر علی صفایی و علی رضا قاسمی، تحلیل تطبیقی شعر مرد مصلوب احمد شاملو والمسیح بعد الصلب بدر شاکر السیاب،، مجله پژوهش های ادبیات تطبیقی، ص ص 71 - 98 شماره 2، پاییز 1394، 2015 م، نگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:

http://cl.rj.modares.ac.ir/article_11262_132a8275ea3091628c35d674fcaefeb.pdf

31- دکتر فرهاد رجبی، مرگ زندگی بخش در شعر بدر شاکر السیاب ونیما یوشیچ، مجله ادب عربی، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، دانشگاه تهران، ص ص 185 - 206 شماره 2، پاییز وزمستان 1390، 2011 م. نگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:

https://jalit.ut.ac.ir/article_28835_4a3f1e4327bd08748437ea9c96354803.pdf

منابع و مأخذ

- إحسان عباس، بدر شاکر السیاب، دراسة في حياته وشعره، الطبعة الخامسة، دار الثقافة، بیروت، 1983 م.
- إلياس خوری، دراسات في نقد الشعر، الطبعة الثانية، دار ابن رشد، 1981 م.
- امیر حسین رسول نیا و مریم آقاجانی، "مبارزه وپایداری در شعر بدر شاکر السیاب با تکیه بر شعر انشوده المطر"، مجلة ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی کرمان، صص 51- 72 ، شماره 8 ، بهار وتابستان 1392، 2013 م. نگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
- http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/24113920803.pdf
- إلییا حاوی، بدر شاکر السیاب، شاعر الأناشید والمراثی، دار الكتاب، بیروت، 1983.
- بدر شاکر السیاب، الديوان، جلد 1 و 2، دار العودة، بیروت، بدون تاریخ.
- بسام ربابعة، "دگر دسی شعر عربیو پیدایش شعر نو"، مجلة نسخه، مرکز مطالعات علمی وتکنولوژی ترکیا (TÜBİTAK)، صص 117- 140، شماره 37، انکارا، 2013 م. وهمچنین نگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
- <https://www.drrababah.blogspot.com/2015/06/blog-post.html>
- حسن توفیق، شعر بدر شاکر السیاب، دراسة فنیة وفکرية، دار أسامة، عمان، 1997 م

- شفيعی کدکنی، شعر معاصر عرب، چاپ دوم، انتشارات سخن، طهران، 1380 هـ.ش.
- صلاح الدين عبدی ومحمد احمدی ازندريانی، "بررسی تطبیقی طبیعت در شعر سهراب سپهری و بدر شاکر السیاب"، کاوشنامه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، سال دوم، شماره 8، زمستان 1931 هـ.ش/ 1191 هـ. ق/ 2112 م. ونگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
http://jcel.razi.ac.ir/article_85_a7943ed80bf3e21093eb5cd2bc7b0a49.pdf
- صفیة بنت زینة، القصيدة العربية في موازين الدراسات اللسانية الحديثة، قصيدة أنشودة المطر للسياب أنموذجاً، رسالة دكتوری، گروه ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، زبان ها و هنرها، دانشگاه السانیا وهران، 2013/2012 م. ونگاه کنید این رساله به رابط زیر است:
<http://theses.univ-oran1.dz/document/45201486t.pdf>
- عبد الجبار داود البصري، بدر شاکر السیاب، راند الشعر الحر، الطبعة الثانية، دار الشؤون الثقافية، بغداد، 1986.
- علي الشرع، قراءة في "أنشودة المطر" للسياب، مجلة أبحاث اليرموك، المجلد الثالث، العدد الثاني، 1985 م.
- علی صفایی وعلی رضا قاسمی، "تحلیل تطبیقی شعر مرد مصلوب احمد شاملو والمسیح بعد الصلب بدر شاکر السیاب، مجله پژوهش های ادبیات تطبیقی، شماره 2، پاییز 1394، 2015 م، ونگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
http://clrj.modares.ac.ir/article_11262_132a8275ea3091628c35d674fcaefe1b.pdf
- عیسی بلاطه، بدر شاکر السیاب حیاتہ وشعره، الطبعة الرابعة، دار الشؤون الثقافية، بغداد، 1987.
- فرهاد رجبی، "مرگ زندگی بخش در شعر بدر شاکر السیاب ونیما یوشیج"، مجله ادب عربی، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره 2، پاییز وزمستان 1390، 2011 م. ونگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
https://jalit.ut.ac.ir/article_28835_4a3f1e4327bd08748437ea9c96354803.pdf
- محمود حیدری وام البنی خرمیان، "روایت پردازی افسانهها واسطورهها در سروده های مهدی اخوان ثالث و بدر شاکر السیاب"، دو فصلنامه ادبنامة تطبیقی، سال اول، شماره اول، پاییز وزمستان، 1393 هـ 2015 م، ونگاه کنید این مقاله به رابط زیر است:
<file:///C:/Users/yu/Downloads/CLK16901424377800.pdf>

- نازك الملائكة، قضايا الشعر العربي المعاصر، چاپ دهم، انتشارات العلم للملايين، بيروت، 1997م.
- كمال خير بك، حركة الحداثة في الشعر العربي المعاصر، چاپ دوم، انتشارات الفكر، بيروت، 1986م.
- نايف العجلوني، "الأرض اليباب وأنشودة المطر معالم بارزة في طريق الحداثة"، مجلة أبحاث اليرموك، شماره 1، جلد 14، 1996م.
- يحيى الشامى، موسوعة الشعراء العرب، چاپ اول، انتشارات دار الفكر العربي، بيروت، 1999م.